

بررسی الگوی زبان حماسی در شعر اعتراضی قیصر امین پور مصطفی برزگر ولیک چالی*

چکیده

شعر اعتراض که در شمار ادب پایداری است، بیانگر روح انتقاد و اعتراض شاعر در برابر ناروایی‌ها و نراستی‌ها و اساس آن عدالت‌خواهی و آرمان‌گرایی است. شعر اعتراض به طور جدی از مشروطه وارد ادب فارسی شد و پس از پایان جنگ تحمیلی، به دلیل فراموشی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی رواج و رونق یافت. به دلیل نزدیکی حماسه و شعر اعتراض، اشتراکات زیادی بین این دو وجود دارد. شعر قیصر امین پور نمونه بارز پیوند اعتراض و حماسه است؛ زیرا شعر اعتراض، حماسه انسان معاصر در برابر ناروایی‌هاست.

در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، تعداد ۶۱ شعر از «مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور» با رویکرد تأثیر زبان حماسه در اشعار اعتراضی، در پنج سطح آوایی و موسیقایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ادبی، محتوایی و معنایی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتیجه این که زبان و ویژگی‌های حماسه، بر شعر اعتراض قیصر امین پور تأثیر مستقیم و به سزایی دارد.

واژه‌های کلیدی: ادب پایداری، حماسه، شعر اعتراض، ادبیات انقلاب اسلامی، قیصر امین پور

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب

Barzegar_mostafa@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۳



مقدمه

اعتراض از ویژگی‌های بارز و برجسته انسان پرسشگر معاصر است؛ اعتراض در برابر دشمنان خارجی که قصد جنگ‌انداختن بر تمامیت ارضی و استقلال کشور را دارند و دشمنان داخلی که با زیاده‌خواهی و کج‌روی به جان دین، اخلاق، فرهنگ و آزادی مردم می‌افتند و ملتی را به قهقهه می‌برند. از این رو این انسان معترض آرمان‌طلب، همان قهرمان و پهلوان داستان‌های اسطوره‌ای و نیمه‌تاریخی گذشته است که در چهره و کسوت جدید و با رفتار و اعمالی زمینی‌تر و عادی‌تر ظهور یافته است.

ادبیات اعتراض می‌کوشد تا با خلق حماسه و قهرمانان واقعی و زمینی، بر پلییدی‌ها، ناراستی‌ها و ناروایی‌ها چیره شود و سلاح کوبنده و برنده‌اش، شعر است که با زبان گرم و شورآفرین، حماسه‌ها می‌آفریند. «ادبیات مقاومت می‌کوشد تا با سلاح کوبنده و مؤثر انتقاد بر بی‌عدالتی‌ها و نابه‌سامانی‌ها بتازد.» (صدقیان‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸۶)

شعر اعتراض می‌کوبد تا بر ویرانه فساد، ستم و ناروایی‌ها، بنای زیبایی اخلاق، ادب و فرهنگ جامعه آرمانی را بسازد.

بیان مسئله

یکی از شاخه‌های مهم ادب پایداری، شعر اعتراض است که پس از انقلاب اسلامی، به ویژه پس از جنگ به دلیل دور شدن از آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی در بین شاعران وفادار به انقلاب و کشور رواج و رونق یافت.

بررسی ویژگی‌های شعر اعتراض برای تبیین یک چارچوب مشخص و مدوّن و ارائه نظریه‌های علمی در این خصوص نیازمند پژوهش‌های دقیق و دانشگاهی است. شعر اعتراض امروز خالی از حماسه نیست؛ زیرا مانند «اثر حماسی امروز، اثری است که با زبان حماسی به شرح مقاومت و ایستادگی در رویارویی با مسائل و مشکلات اجتماعی انسان معاصر می‌پردازد.» (شیری، ۱۳۸۸: ۶۵) کارکردش چون حماسه، «عبارت است از: تشجیع و تشویق به قهرمانی، وطن‌دوستی، دشمن‌ستیزی، گرامی‌داشت نام قهرمانان و دلاوران و...» (زارع و رضوی، ۱۳۹۱: ۱۶۳)



در این پژوهش تلاش شده است تا با محوریت «الگوی زبان حماسی در شعر اعتراضی»، ویژگی‌های زبان حماسی در تعداد ۶۱ شعر اعتراضی از «مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور» در پنج سطح: آوایی و موسیقایی؛ واژگانی؛ نحوی؛ بلاغی و ادبی؛ محتوایی و معنایی به عنوان یک ایده تازه بررسی، تحلیل و اثبات شود و ملاک انتخاب، اشعاری با بن مایه اعتراض می باشد:

پیشینه پژوهش

در باره بررسی جلوه‌های اعتراض در شعر فارسی، پژوهش‌های زیادی انجام شده است از جمله: دادخواست ۱۰۰ شعر اعتراض از امید مهدی‌نژاد؛ ده شاعر انقلاب از محمد کاظم کاظمی؛ بررسی و تحلیل مفاهیم و مضامین اعتراض در اشعار شاعران معاصر با تأکید بر شعر سید حسن حسینی، قیصر امین پور، سلمان هراتی و گروس عبدالملکیان از هاجر آزاد، پایان نامه ارشد دانشگاه پیام نور بابل؛ بررسی مضامین شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی از نجمه طاهری ماه زمینی و همکاران، نشریه ادبیات پایداری؛ واژگان‌شناسی شعر اعتراض در ابیات انقلاب اسلامی از نجمه طاهری ماه زمینی و همکاران، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی؛ بررسی عناصر موسیقایی شعر اعتراض در دوره انقلاب اسلامی از نجمه طاهری ماه زمینی و همکاران، نشریه زبان و ادب فارسی؛ اعتراض اجتماعی در شعر قیصر امین پور از صادق فلاحتی، نشریه مطالعات زبان و ادبیات غنایی؛ اعتراض در شعر فروغ از رضا افسری، اعتراض و عشق از محمدجواد آسمان، چشم‌انداز شعر معاصر ایران از مهدی زرقانی و الگوی بررسی زبان حماسی از اصغر شهبازی و مهدی ملک‌ثابت، نشریه پژوهش زبان و ادبیات فارسی که در نگارش این مقاله از آن استفاده شده است. با همه کوشش‌هایی که در زمینه ادب و شعر اعتراضی شده است؛ هم‌چنان مجال برای بررسی و پژوهش بیشتر در این حوزه وجود دارد. نویسندگان این مقاله در پی تحلیل جلوه‌های زبان حماسی در شعر اعتراض قیصر امین پور هستند.



ضرورت و اهمیت پژوهش

شعر اعتراض از گونه‌های مهم و تأثیرگذار ادبیات معاصر فارسی است که از دوره مشروطه به دلایل مهم سیاسی و اجتماعی و آشنایی با ادبیات غرب رشد کرده و بالیده است. با این وجود علی‌رغم رواج این گونه ادبی در بین شاعران معاصر، در فضای علمی، دانشگاهی و نظریه‌پردازی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این موضوعات، می‌تواند تأثیرگذاری حماسه در شعر اعتراض باشد.

در این مقاله تلاش شده تا تأثیر زبان و ویژگی‌های حماسه بر شعر اعتراض قیصر امین‌پور بررسی و تحلیل و چارچوب مشخصی برای دانشجویان و پژوهندگان حوزه ادبیات پایداری و شعر اعتراض فراهم شود.

بحث

تعریف ادب اعتراض

ادبیات اعتراض (protest literature)، ادبیاتی است که هدف از انتشار آن اعتراض نسبت به چیزی، معمولاً اعتراض به اوضاع سیاسی است (پورممتاز، ۱۳۷۲: ۳۵۹) و «مهم‌ترین مضامین آن، بزرگداشت آزادی و استقلال، وطن‌دوستی، ظلم‌ستیزی، مبارزه با استبداد و جهل و فقر و فساد اجتماعی و حمایت از طبقه محروم است.» (قربان پورآرانی، ۱۳۷۸: ۲۶) و «به آن دسته از سروده‌ها و نوشته‌ها اطلاق می‌شود که به نوعی روح انتقاد یا اعتراض شاعر یا نویسنده را منعکس کرده است.» (پشتدار، ۱۳۸۹: ۱۵۸)

«در گذشته ادب فارسی، این گونه شاعران (شاعران معترض)، که انتقاد اجتماعی مستقیم داشته باشند، اولاً نادر و انگشت‌شمارند و ثانیاً شعر انتقادی این بزرگان در حدی نیست که بتوان آن را یک جریان مستمر و ریشه‌دار به شمار آورد.» (زرقانی، ۱۳۸۷: ۶۷)

شعر اعتراض با تعریف و ویژگی‌های علمی آن از عصر مشروطه، در ادب فارسی به وجود آمده و رشد و نمو کرده است و پس از انقلاب اسلامی، به شعر دوره پس از جنگ اطلاق می‌شود که در آن شاعر انقلابی در برابر فراموشی و دگرگونی ارزش‌ها و نابرابری‌های اجتماعی لب به اعتراض



می‌گشاید. شعر اعتراض، شعری دردمند و فریادی قلندرانه در برابر بی‌عدالتی، ستم و نادانی است و بر اساس عدالت‌خواهی، آرمان‌گرایی و ستم‌ستیزی بنا شده است.

قیصر امین پور از آن دسته شاعرانی است که با انقلاب اسلامی بزرگ شد و برای به‌بار نشستن آرمان‌های آن از هیچ همراهی و همدلی دریغ نکرد؛ اما با پایان جنگ و قرار گرفتن انقلاب در مسیر جدید، همراه عده‌ای از شاعران انقلابی و همدل، با دیدن این کج‌روی‌ها و بی‌عدالتی‌ها دوام نیاورد و لب به اعتراض گشود.

بیشترین موضوعات مطرح شده در شعر این شاعران از جمله قیصر امین پور، اعتراض به رواج دروغ، دورویی و ریاکاری، شکاف شدید طبقاتی، کم‌رنگ شدن آرمان‌های انقلاب و ارزش‌های اصیل اسلامی است که «شاعر با دیدن اوضاع نابه‌سامان جامعه می‌فهمد دیگر نمی‌توان چون گذشته، بر بلندای «برج عاج» تکیه زد یا در «ساحل سرد و آرام» نشست و شاهد تیره‌بختی و سیاه‌روزی مردم بود.» (برزگر ولیک‌چالی، ۱۳۸۸: ۸۸)

حماسه و ویژگی‌های آن

حماسه (epic)، شعری است روایی و طولانی که به شرح احوال و اعمال خارق‌العاده قهرمانی متمرکز می‌شود و با حوادث مهم غیرمعمول که غالباً به سرنوشت یک ملت و گاه به طور کلی نژاد بشری مربوط است، سروکار دارد. (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۹۵-۹۴)

شعر اعتراض زیر شاخه شعر پایداری است و حماسه به شکل‌های گوناگون در آن بروز یافته؛ از این‌رو شعر اعتراض، شعر حماسه و شاعر معترض، روایتگر حماسه‌های مردم زمان خود است. شاعر حماسه‌سرای امروز دیگر به دنبال پهلوان افسانه‌ای و فوق‌بشر دیروزی نیست، بلکه همانند شاعر اعتراض‌سرا، پهلوانان حماسه او مردم کوچه و بازار و فرودست جامعه‌اند؛ همان‌گونه که «محور اعتراض‌های قیصر، انسان است.» (فلاحی، ۱۳۹۳: ۱۹)



بررسی «الگوی زبان حماسی در اشعار اعتراضی قیصر امین پور»

سطح آوایی و موسیقایی

در این سطح، شاخص‌هایی مانند موسیقی بیرونی (وزن خاص)، موسیقی کناری (قافیه و ردیف)، موسیقی درونی (واج آوایی، صدا معنایی، تکرار، جناس و سجع) مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

یکی از جلوه‌های سطح آوایی و موسیقایی شعر اعتراضی، موسیقی بیرونی (وزن خاص) است. درباره اهمیت و نقش موسیقی در انتقال محتوا و پیام شعر باید گفت: «موسیقی؛ معنی، تخیل و عاطفه نهفته در شعر را به مخاطب منتقل می‌کند.» (فیاض بخش، ۱۳۸۴: ۱۶۴) موسیقی بیرونی همان وزن عروضی است، بر اساس کشش هجاها و تکیه‌ها. (براتی و نافلی، ۱۳۸۹: ۶۵)

بهترین وزن برای بیان محتوای حماسی، بحر متقارب محذوف یعنی فعولن فعولن فعلن فعلن می‌باشد؛ اما در تعمیم این اصل به کلیات بیشتر باید گفت اوزانی که نسبت هجاهای بلند به هجاهای کوتاه بیشتر و دارای وزن‌های ضربی، تند و کوبنده باشد برای بیان مفاهیم اعتراض و انتقادی مناسب‌تر است.

پس از تحلیل اوزان اشعار اعتراضی قیصر، نمودار قالب‌های مورد استفاده شاعر به صورت زیر ارائه می‌شود:

جدول‌های کارکرد وزن در اشعار اعتراضی امین پور

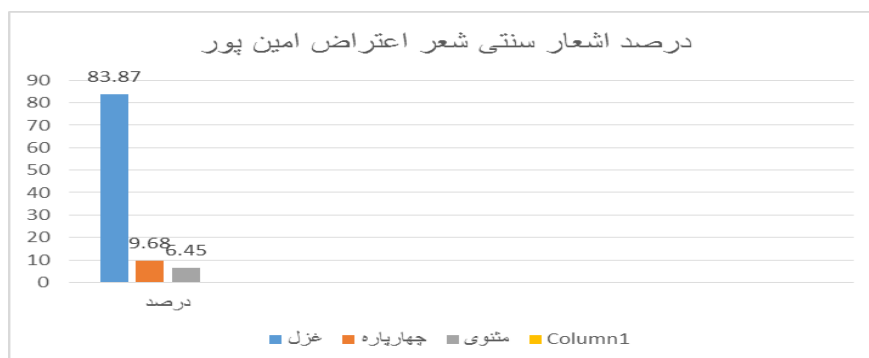
جدول شماره (۱)؛ قالب اشعار اعتراضی امین پور

قالب	سنتی	آزاد	سپید	جمع
تعداد	۳۱	۲۸	۲	۶۱
درصد	۵۰٫۸۲	۴۵٫۹۰	۳٫۲۸	۱۰۰



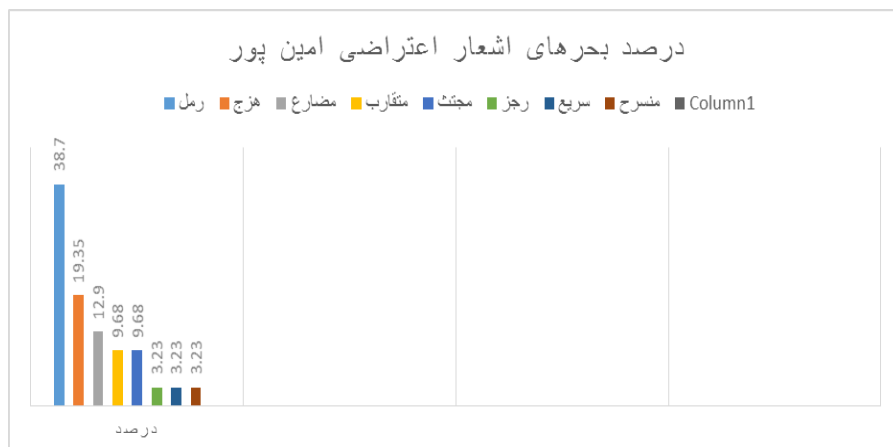
جدول شماره (۲)؛ قالب اشعار سنتی شعر اعتراض امین پور

قالب	غزل	چهارپاره	مثنوی	جمع
تعداد	۲۶	۳	۲	۳۱
درصد	۸۳٫۸۷	۹٫۶۸	۶٫۴۵	۱۰۰



جدول شماره (۳)؛ بحرهای اشعار اعتراضی امین پور

بحر	رمل	هزج	مضارع	مقارب	مجث	رجز	سریع	منسرح	جمع
تعداد	۱۲	۶	۴	۳	۳	۱	۱	۱	۳۱
درصد	۳۸٫۷۰	۱۹٫۳۵	۱۲٫۹۰	۹٫۶۸	۹٫۶۸	۳٫۲۳	۳٫۲۳	۳٫۲۳	۱۰۰



براساس بررسی‌های به عمل آمده نزدیک به یک‌سوم شعر قیصر در بحر «رمل مثنی‌م محذوف»، سروده شد و این خود نشان از تأثیر روح حماسی در شعر اعتراض شاعر می‌باشد. «رمل مثنی‌م»، آمیزه‌ای است از «حسرت و اعتراض» و غالب شعرهای اعتراض قیصر در بحر رمل سروده شده است.

اول آبی بود این دل، آخر اما زرد شد / آفتابی بود، ابری شد، سیاه و سرد شد
(همان، ۴۸)

شعر در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» سروده شد، نسبت هجاهای بلند به هجاهای کوتاه یازده به چهار است. علاوه بر این، محتوای آن نیز اعتراض است، اعتراض به زنگاری شدن دل انسان.

با مردم شب‌دیده به دیدن نرسیدیم / تا صبح‌دمی هم به دمیدن نرسیدیم
آفتابی بود، ابری شد، ولی باران نداشت / رعد و برقی زد ولی رگبار برگ زرد شد
(همان: ۲۱۹)

هم چنین اشعار: «نشانه پرسش»، ۵۲؛ «اخوانیه»، ۶۳؛ «خمیازه فریاد»، ۳۰۷؛ «کشف قفس»، ۵۰۳ از دیگر جلوه‌های سطح آوایی و موسیقایی شعر اعتراض، موسیقی کناری است. موسیقی کناری، تنوع گسترده‌ای دارد. «آشکارترین نمونه‌های آن قافیه و ردیف است.» (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۱)



شاعر اعتراض پرداز باید به انتخاب واژه‌های قافیه از نظر صوت، طنین و وجه موسیقایی آن توجه کند؛ هرچه قدر قافیه موسیقایی تر باشد، تأثیر آن بیشتر خواهد بود.

جوشش و غلیانی که در اشعار اعتراضی قیصر وجود دارد، نشانگر روح ناآرام حماسی اوست: در شعر «غزل پنجره»، شاعر از ردیف طولانی «و کمی پنجره»، برای افزایش موسیقی شعر بهره جسته است؛ زیرا «ردیف باعث ایجاد وحدت بین شاعر و مخاطب می شود.» (روحانی و عنایتی، ۱۳۹۲: ۷۵) و با استفاده از آرایه تکرار در واژه «پنجره»، که نماد رهایی و آزادی است، شعر را حماسی و اثر آن را کارا تر و ماندگارتر ساخته است:

یک کلبه خراب و کمی پنجره یک ذره آفتاب و کمی پنجره |
ایکاش جای این همه دیوار و سنگ آینه بود و آب و کمی پنجره
در این سیاه چال سراسر سؤال چشم ودلی مجاب و کمی پنجره
(همان، ۲۱۸)

هم چنین اشعار: «به که باید گفت»، «۲۲۵؛ «خسته ام از این کویر»، «۳۰۰؛ «چرا چنین»، «۳۱۲ سومین جنبه از سطح آوایی و موسیقایی شعر اعتراض، موسیقی درونی است. «موسیقی درونی، حاصل هماهنگی و ترکیب کلمات و طنین خاص هر حرف در مجاورت با حروف دیگر است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۵۱)

در شعر اعتراض، عنصر نغمه حروف (واج آرای) و نظم و ترکیب حروف و آواها، تداعی گر فضای حماسی و القاکننده اندیشه و محتوای اعتراضی است. قیصر از آرایه «واج آرای»، به فراوانی استفاده کرده است، به طوری که یکی از پرکاربردترین آرایه‌های اشعار اعتراضی او، آرایه واج آرای است.

یکی دیگر از جلوه‌های آشکار موسیقی درونی، آرایه تکرار است. «واج آرای پراکنده، انواع جناس، تکرار واژه در یک یا چند بیت، تکرار مصراع در طول قالب شعری، ردالصدر، ردالعجز از جلوه‌های مختلف تکرار می‌باشند.» (براتی و نافلی، ۱۳۸۹: ۶۲)

تکرار چه به صورت مرئی (تکرار واژه) و چه نامرئی (نغمه حروف)، «باعث افزایش موسیقی کلام و القای معنی مورد نظر شاعر به خواننده می‌گردد.» (برگ بیدوندی و خسروی، ۱۳۹۴: ۲). درون‌مایه شعر



اعتراضی با وزن و موسیقی کلام هم‌خوانی ویژه دارد و با خواندن این اشعار حالت عاطفی مخصوص آن به خواننده منتقل می‌شود.

چرا همیشه همین است آسمان و زمین؟ زمان همواره همان و زمین همیشه همین؟...

چرا زمین و زمان، بی‌امان و بی‌مهرند زمان زمانه قهر و زمین زمینه کین؟
(همان: ۵۲)

شاعر با به کارگیری آرایه‌هایی چون رد الصدر الی العجز به تعبیر استاد همایی: ردالعجز علی الصدر (همایی، ۱۳۶۸: ۶۷) - در واژه «همین» در بیت اول و «زمین» در بیت دوم و ردالعجز در واژه «زمین»، تکرار آشکار واژه‌های چرا، همیشه، همین، زمین و زمان و بهره‌مندی از جناس ناقص اختلافی بین واژه‌های زمین و زمان، همین و همان، زمان و امان، مهر و قهر و جناس ناقص افزایشی بین واژه‌های زمان و زمانه و زمین و زمینه علاوه بر ارتقای وجه زیباشناسی شعر، جنبه اعتراضی آن را به شدت افزایش داده است.

سطح واژگانی

برخی از محققان زبان، واژه را واحد اندیشه می‌دانند (لوریا، ۱۳۶۸: ۸۲) و بر همین اساس «روان‌شناسان معتقدند از روی تنوع و بسامد واژگان مورد استفاده هر شاعری، می‌توان گرایش‌های فکری، عاطفی، اجتماعی و سیاسی او را تشخیص داد.» (عمران‌پور، ۱۳۸۶: ۱۵۵)

شعر اعتراضی، واژگان و ترکیبات خاص خود را می‌طلبد و شاعر اعتراض‌سرا باید با آفرینش ترکیب‌های تازه، مفاهیم بلند و حماسه‌آفرین اشعار اعتراضی را انتقال دهد. وقتی درک از زمان و درد مردم با تسلط بر زوایای زبان همراه گردد «هر شاعری می‌تواند بر طبق ذهنیت و شرایط زمانی خود واژگان جدیدی را وارد زبان شعرش کند.» (طاهری ماه‌زمینی، بصیری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۳) و «با خلق هر واژه تازه به وسیله شاعر، در واقع پاره‌ای از فکر تازه به زبان تزریق می‌شود.» (حسن‌لی،

(۱۳۸۳: ۱۴۸)



قیصر امین پور روح بلند حماسی خود را که دغدغه‌ها و نگرانی‌های انسان آگاه معاصر اوست، در رساترین شکل ممکن با استفاده از واژگانی حماسی و کوبنده بیان می‌کند. «او شایسته‌ترین واژه‌ها را در پیوند با هم و در ارتباط با معنا برمی‌گزیند.» (صالحی و نیک بخت، ۱۳۹۱: ۸۴)

از ویژگی‌های خاص زبان حماسه در شعر اعتراض امروز، سادگی و روانی واژگان و ترکیبات و بهره‌مندی از زبان محاوره است. این ویژگی در واژه‌ها و ترکیبات قیصر به فراوانی دیده می‌شود: چوب حراج خورده بازار برده‌ها، مسلخ تقدیر، شعله‌های خفته در خاکستر خاموش‌ها، باغ کاغذین شادباش‌ها، دریای بی‌خیالی، جیب احساس و اندیشه، صندوقچه راز خدا، پروانه پرواز رها، جاده‌های بی‌سرانجام رسیدن، شوق پرواز مجازی، چشم‌های پینه بسته، خنده‌های لب پریده، عصر جدول‌های خالی، پرسه‌های بی‌خیالی، رسم قدیم شقایق، دفتر خاطرات طراوت، گوش سنگین این کوچه‌ها، طنین عبوری نسیمانه، رد پای نگاه تو، قلک کودکی، سفره هفت رنگ آسمان، ساعت آسمان، یک دسته لبخند پرپر.

قیصر در غزل «خمیازه فریاد» (همان: ۳۰۷)، با آوردن ترکیباتی نو و تازه، مضامینی اعتراض‌آمیز آمیخته با حماسه را خلق می‌کند که ضمن ترسیم فضایی مملو از کاهلی، بی‌تحركی، ترس و سکوت، تسریع می‌کند که فریادها هم از سکوت بسیار به خمیازه افتادند؛ ترکیباتی مانند «تقاضای شکستن»، «موسیقی تار شب»، «قانون سکوت»، «آواز عزا سردادن» و «خمیازه فریاد»

سطح نحوی

با توجه به تعریف جدید شعر حماسی و دگرگونی در ماهیت و کارکرد آن، نوعی نزدیکی و درآمیختگی زبانی و معنایی بین شعر حماسه و اعتراض وجود دارد. «هر اثری که با زبان حماسی به مسائل اجتماعی انسان معاصر و شرح مقاومت و دلاوری او در رویارویی با مسائل پردازد، اثری حماسی است.» (شیری، ۱۳۸۸: ۶۵) و این تعریف مطابق تعریف شعر اعتراض و «این همانی» آن با حماسه است؛ چراکه شعر اعتراض زبان انسان امروزی در برابر نابرابری‌ها و ناروایی‌هاست.



شعر «به که باید گفت»، در حین سادگی، چنان استوار و با صلابت ادا شد، گویی شاعر در میدان کارزار رجز می خواند و هم‌اورد می طلبد و حماسه می آفریند؛ چرا که «حماسه انسان امروز، بیان درد مردم و جامعه است.» (باباصفری و محمدپور، ۱۳۹۴: ۲)

شاعر با دیدن درد و رنج مردم جامعه‌اش، به عصیان و اعتراض می‌رسد تا جایی که حتی به فلسفه آفرینش و سرنوشت نیز معترض شود:

کشت تقدیر تو ما را به که باید گفت؟ مردم از درد خدا را به که باید گفت؟
سرنوشتم اگر این است که می‌بینم حکم تغییر قضا را به که باید گفت؟
(همان: ۲۲۵)

تقدیم فعل «کشت» و «مردم»، آوردن جملات به صورت پرسشی و تکرار، سادگی بیان، وحدت و پیوستگی استوار اجزای سخن، رعایت قواعد دستوری شعر را سخته و پخته و اثر آن را دوچندان ساخته است. سرانجام شاعر با اعتراض فلسفی، می گوید:

شکوه از هر چه و هر کس به خدا کردم گله از کار خدا را به که باید گفت؟
(همان: ۲۲۶)

سطح بلاغی و ادبی

بسیاری از محققان انواع ادبی بر این باورند که «زبان حماسه به دلیل فضای خاص اساطیری و حماسی، دارای غرابت و پیچیدگی است و آوردن تصاویر ادبی بر ابهام و پیچیدگی آن می‌افزاید و از روشنی و صراحت آن می‌کاهد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۴۵۲)، اما شعر اعتراض به دلیل عینی‌تر بودن مضامین و ضرورت بیان آن با زبانی غیرمستقیم و تأویل‌پذیر مانند گونه حماسی محدودیت ندارد؛ «چراکه تصویر، موجب قدرت دادن به اندیشه‌ها و عواطفی می‌شود که شاعر قصد انتقال آن‌ها را دارد.» (امیدعلی و دهرامی، ۱۳۹۶: ۳۳)

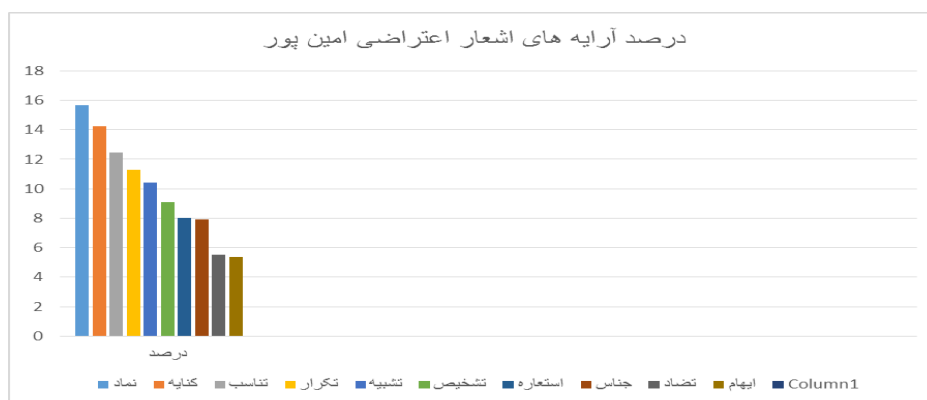
شعر اعتراض با توجه به نوع گفتار و بیان آن، مستلزم به کارگیری عناصر بلاغی‌ای است که هم دارای صراحت و شفافیت و هم تأویل‌پذیر باشد. نوع زبان شعر اعتراض قیصر، موجب گشته تا آرایه‌های اشعار او، یک هم‌خوانی و هم‌سانی با گونه حماسی پیدا کند.



پرکاربردترین عناصر بلاغی و آرایه‌های ادبی اشعار اعتراضی قیصر عبارتند از: نماد، کنایه، تناسب، تکرار، تشبیه، تشخیص، استعاره، تشخیص، انواع جناس، تضاد و ایهام که در زیر جدول و نمودار ده آرایه ادبی پرکاربرد اشعار اعتراضی وی می‌آید:

جدول شماره (۴)؛ آرایه‌های ادبی پرکاربرد در اشعار اعتراضی امین پور

آرایه	نماد	کنایه	تناسب	تکرار	تشبیه	تشخیص	استعاره	جناس	تضاد	ایهام	جمع
تعداد	۲۱۲	۱۹۳	۱۶۹	۱۵۳	۱۴۱	۱۲۳	۱۰۹	۱۰۷	۷۵	۷۳	۱۳۵۵
درصد	۱۵,۶۵	۱۴,۲۴	۱۲,۴۷	۱۱,۲۹	۱۰,۴۱	۹,۱۰	۸,۰۳	۷,۹۰	۵,۵۲	۵,۳۹	۱۰۰



استفاده فراوان از نماد، کنایه، استعاره و ایهام علاوه بر به اندیشه واداشتن مخاطب برای دست‌یابی به ژرفای معنای مورد نظر، ظرفیت تأویل‌پذیری آن نیز مدنظر می‌باشد. هم‌چنین شاعر برای عینی‌تر کردن مسائل به دامان تشبیه به ویژه تشبیه حسی چنگ می‌زند، تا مفاهیم مورد نظر خود را هرچه رساتر بیان کند.

الفبای درد از لبم می‌تراود نه شنیم، که خون از شیم می‌تراود
(همان: ۱۹۶)

آوردن آرایه‌هایی چون: تشبیه عقلی به حسی (الفبای درد)، استعاره مکنیه (فعل می‌تراود)، مجاز (لب)، نماد (شبنم، خون و شب)، جناس (شبنم و شبنم)، جنبه اعتراضی شعر را برجسته‌تر می‌سازد.



سطح معنایی و محتوایی

«به اذعان اغلب حماسه پژوهان، حماسه دارای علو معناست.» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۹۶)، شعر اعتراض نیز به دلیل مقاربت و مقارنت معنا و محتوا با حماسه، دارای همان ویژگی‌های اشعار حماسی و این همانی با آن است؛ با این تفاوت که حماسه، تاریخ گذشته رشادت‌ها و جان‌فشانی‌های یک ملت برای دست‌یابی به استقلال، آزادی و رهایی است، اما اشعار اعتراضی، تاریخ کنونی همان ملت با دردها، آرزوها و آرمان‌های جدید می‌باشد.

با توجه به شکوهمندی اندیشه مرکزی شعر اعتراض، زبان این گونه ادبی نیز باید دارای چنان عظمت و شکوهی باشد تا بتواند بار سنگین محتوا و درون مایه را به دوش بکشد؛ چرا که: «هنری بودن یک اثر به رابطه‌ی بین آن اثر و زبان آن و این که چگونه محتوا خود را در اثر نشان داده است، بستگی دارد.» (کروچه، ۱۳۵۰: ۹۳)

وجود مفاهیم عالی و بلندی چون اعتراض به زیاده خواهی، دورویی، بی‌دردی، جنگ طلبی و خودخواهی، شکاف شدید طبقاتی و دوری از ارزش‌ها، شعر قیصر را ماندگار می‌کند. او از این همه ناروایی‌ها خسته می‌شود و آرزوی کمی پنجره می‌کند:

یک کلبه خراب کمی پنجره یک ذره آفتاب و کمی پنجره
(همان: ۲۱۸)

یکی دیگر از شباهت‌های شعر اعتراض با حماسه، وجود بن مایه‌های مشترک است. بسیاری از بن مایه‌های شعر حماسه با اندک تغییری، در شعر اعتراض به چشم می‌آید؛ با این تفاوت که قهرمان حماسه، ابرمردی است با نیروی ماورایی، اما قهرمان شعر اعتراض، فردی عادی از افراد جامعه است که در برابر زشتی‌ها، پلیدی‌ها و ناروایی‌ها قد علم می‌کند.

یکی از موضوعات اساسی شعر قیصر امین‌پور، اعتراض فلسفی است. او نسبت به حکم قهرآمیز سرنوشت و چرخ آسیاب‌گون زمان اعتراض دارد و این اعتراض را به صورت پرسشی فلسفی بیان می‌کند و با زبانی باشکوه و حماسی، به زمان و زمین و حتی خالق هستی اعتراض می‌کند و می‌پرسد:

چرا همیشه همین است آسمان و زمین؟ زمان همواره همان و زمین همیشه همین؟...



حدیث آدمی و چرخ آسیاب زمان / حدیث جام بلور است و صخره سنگین...
اگر که چون و چرا با خدا خطاست، چرا / چرا سوال و جواب است روز باز پسین؟
(همان: ۵۲-۵۳)

او در اشعار «نشانه پرسش»، «خمیازه پرواز» و «به که باید گفت؟»، این اعتراض فلسفی را نشان می-
دهد و در غزل «به که باید گفت؟»، صراحتاً می گوید:
شکوه از هر چه و هر کس به خدا کردم / گله از کار خدا را به که باید گفت؟
(همان: ۲۲۶)

از دیگر بن مایه‌های اساسی شعر قیصر، بیان درد و رنج بشر است؛ او در اشعار گوناگونی به این
مضمون پرداخته است، «درد جاودانگی شاید والاترین برداشت او از این مفهوم باشد.» (ایران زاده و
مرادی، ۱۳۹۴: ۱۴)

هم چنین اشعار: «روز ناگزیر»، ۲۳۵؛ «آواز عاشقانه‌ها»، ۲۹۶؛ «قطعنامه جنگل»، ۳۲۵؛ «منظومه
خوشه خورشید»، ۴۹۴

از دیگر جلوه‌های سطح معنایی و محتوایی شعر اعتراض، ارتباط محتوا با عاطفه و تخیل است. در
شعر اعتراض، به دلیل طرح نکات حساس و گاه چالش برانگیز، نقش دو عنصر عاطفه و تخیل
بسیار مهم و حیاتی است. شاعر هنرمند، کسی است که پیوندی استوار و عمیق بین محتوا، عاطفه و
تخیل برقرار کند و با بهره‌مندی از زبانی حماسی و متأثر از عنصر عاطفه و انواع صور خیال، آن را
عظمت و شکوه بیشتری ببخشد.

امین پور به خوبی توانسته است در بیان اندیشه‌های خود به ویژه اشعار اعتراضی، ارتباطی منطقی و
مناسب بین محتوا و عاطفه و تخیل برقرار کند. روح حماسی، در اشعار اعتراضی قیصر حضوری
فعال دارد که این برآمده از شخصیت و استعداد ذاتی، توانمندی‌های زبانی و روحیه آرمان خواهی
اوست.

شهیدی که بر خاک می‌خفت / چنین در دلش گفت: / «اگر فتح این است / که دشمن شکست / چرا
هم چنان دشمنی هست؟» (همان: ۱۶)



شاعر به جنگ، خون‌ریزی و کشتار معترض است. او اعتراض خود را با زبانی ساده اما حماسی و پر شور و با بهره‌مندی از عنصر عاطفه، بیان می‌کند و با طرح اندیشه خود به صورت پرسش، انسان را به اندیشه و امید می‌دارد و تأکید می‌کند که پیروزی نهایی زمانی است که دیگر جنگی نباشد: «به امید پیروزی واقعی / نه در جنگ / که بر جنگ (همان: ۱۷)

در غزل «جنگل خاطره»، عنصر عاطفه در شعر قوی است و خیال فعال و پویاست تا معنا به شکلی مؤثر و بالحنی حماسی بیان شود. شاعر با آوردن صفاتی چون؛ خسته، افسرده، در خود پیچیده، سر به زیر فرو برده، که بیانگر جنبه غمگین و دردآلود وجه عاطفی انسان معاصر است و با استفاده از عناصری چون؛ استعاره، تنسیق الصفات، تشبیه، کنایه، نماد و تناسب برای تعالی بخشیدن محتوای شعرش بهره برده است و سرانجام با همان زبان حماسی و شورانگیز به مردم بی‌تحرك و سنگ گونه عصرش می‌تازد و می‌سراید:

رخاست صدا از در و دیوار، ولی ما
با این همه فریاد فروخورده، نشستیم
(همان: ۳۰۳)

نتیجه‌گیری

شعر اعتراض از شاخه‌های ادب پایداری است که به دلیل شباهت و اشتراکات زبانی و محتوایی، یک رابطه «این‌همانی» با حماسه دارد؛ از این رو بسیاری از ویژگی‌های حماسه در شعر اعتراض قابل مشاهده، بررسی و تحلیل می‌باشد.

حماسه امروز دیگر آن حماسه پیشین با آن ویژگی‌های زبانی و محتوایی دیروزی نیست، بلکه حماسه امروز، طرح مسائل و مشکلات اجتماعی انسان امروزی است. براین اساس رابطه شعر اعتراض با حماسه رابطه «این‌همانی» است که گاهی به دلیل شباهت و پیوستگی بیش از حد معنایی به یگانگی می‌رسند.

با توجه به نزدیکی و این‌همانی شعر اعتراض با حماسه، بسیاری از ویژگی‌های زبانی و محتوایی حماسه در شعر اعتراض بروز و ظهور می‌یابد و شعر اعتراض متأثر از حماسه می‌شود.



قیصر امین پور شاعر درد آشنا و آگاه به مسائل جامعه، در برابر ناهنجاری‌ها، ناروایی‌ها، ناراستی‌ها و وضعیت نامطلوب جامعه، لب به شکایت می‌گشاید و این شکایت خود را به صورت اعتراض و با زبانی حماسی و پرشور و کوبنده بیان می‌کند.

با بررسی و تحلیل ۶۱ شعر از مجموعه اشعار قیصر با بن مایه اعتراض، در پنج سطح آوایی و موسیقایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ادبی و محتوایی و معنایی، به این نتیجه رسیدیم که جلوه‌ها و نشانه‌های بسیاری از ویژگی‌های زبانی و محتوایی حماسه در اشعار اعتراضی شاعر ظهور و بروز یافته‌اند و اشعار اعتراضی قیصر شدیداً تحت تأثیر حماسه بوده‌اند، به طوری که شاعر در تمامی سطوح پنج‌گانه از همه ظرفیت‌های زبانی و محتوایی حماسه بهره فراوان برده است. در این مقاله تلاش شده است تا با بررسی و تحلیل تأثیر حماسه و ویژگی‌های آن بر شعر اعتراض قیصر امین پور، چارچوب مشخصی برای دانش‌جویان و پژوهندگان حوزه ادب پایداری و شعر اعتراض فراهم شود.

فهرست منابع

کتاب‌ها

- امین پور، قیصر، (۱۳۹۵)، مجموعه کامل اشعار، چاپ دوازدهم، تهران: مروارید.
- پورممتاز، علی رضا، (۱۳۷۲)، فرهنگ جامع چاپ و نشر، تهران: موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی.
- حسن لی، کاووس، (۱۳۸۳)، گونه‌های نوآوری در شعر معاصر، تهران: ثالث.
- زرقانی، مهدی، (۱۳۸۷)، چشم انداز شعر معاصر، چاپ سوم، تهران: ثالث.
- شفیع کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۲)، صور خیال در شعر فارسی، چاپ چهارم، تهران: آگاه.
-، (۱۳۸۶)، موسیقی شعر، چاپ دهم، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۶)، انواع ادبی، چاپ پنجم، تهران، فردوس.
- کروچه، بندتو، (۱۳۵۰)، کلیات زیباشناسی، ترجمه فؤاد روحانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لوریا، الکساندر. (۱۳۶۸)، زبان شناخت، ترجمه حبیب ا... قاسم زاده، چاپ اول، ارومیه: انزلی.



- محسنی، احمد. (۱۳۸۲)، ردیف و موسیقی شعر، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- میر صادقی، میمنت، (۱۳۷۶)، واژه نامه هنر شاعری، چاپ دوم، تهران: کتاب مهناز.
- همایی، جلال الدین، (۱۳۷۳)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ نهم، تهران: هما.

مقالات

- امیدعلی، حجت ا... و دهرامی، مهدی، (۱۳۹۶). «وجه زیباشناسی تصویر و هماهنگی آن با عاطفه و اندیشه در شعر نصرت رحمانی»، دوفصل نامه علوم ادبی. سال هفتم، شماره یازدهم، صص ۲۹-۵۱.
- ایران زاده، نعمت ا... و مرادی، کبری. (۱۳۹۴). «بررسی شعر «یادداشت‌های درد جاودانگی» قیصر امین‌پور بر اساس نظریه نقش گرای هلیدی»، متن پژوهی. سال نوزدهم، شماره ۶۵، صص ۲۲-۷.
- باباصفیری، علی اصغر و محمدپور، محمدامین. (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل ویژگی های محتوایی و زبانی اشعار حماسی سیاوش کسرای»، زبان و ادب فارسی. سال ۶۸، شماره ۲۳۲، صص ۱-۱۵.
- براتی، محمود و نافلی، مریم. (۱۳۸۹)، «موسیقی درونی در شعر پایداری (نمونه شعر فرید «قادر طهماسبی»)»، نشریه ادبیات پایداری، سال دوم، شماره سوم و چهارم، ۶۱-۸۹.
- برگ بیدوندی، سهراب و خسروی، حسین، (۱۳۹۴)، «تکرار یکی از عوامل مهم زیبایی کلام و تشخیص شعر حسین منزوی»، فصل نامه زیبایی شناسی. سال سیزدهم، شماره ۲۶، ۱-۳۹.
- پشتدار، علی محمد، (۱۳۸۹)، «چشم انداز آزادگی و ادب اعتراض در شعر فارسی»، علوم ادبی، دوره سوم، شماره ۵، ۱۵۷-۱۸۰.
- روحانی، مسعود و عنایتی قادیکلایی، محمد، (۱۳۹۲)، «نگاهی به ردیف و کارکردهای آن در شعر خاقانی»، فنون ادبی، سال پنجم، شماره دوم، ۶۷-۸۸.
- زارع، غلامعلی و رضوی، سید ربیع. (۱۳۹۰)، «کارکرد حماسه در دوران معاصر (با استناد به شعر معاصر ایران)»، نشریه ادبیات پایداری، سال سوم، شماره پنجم و ششم، ۱۶۳-۱۸۴.



- شیری، قهرمان، (۱۳۸۸)، «نقد حماسه و تراژدی بر اساس کلیدر دولت آبادی»، فصل‌نامه کاوش‌نامه، شماره ۱۸، ۴۹-۶۹.
- صالحی، پریسا و نیکوبخت، ناصر، (۱۳۹۱)، «واژه‌گزینی‌های شعر قیصر امین پور از منظر تحلیل گفتمان انتقادی»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۴، ۷۵-۹۹.
- طاهری ماه‌زمینی، نجمه و بصیری، محمدصادق و صرفی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، «واژگان شناسی شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۲، ۱۱۷-۱۴۲.
- عمران پور، محمدرضا، (۱۳۸۶)، «اهمیت عناصر و ویژگی‌های ساختاری واژه در گزینش واژگان شعر»، پژوهش‌های ادب عرفانی، دوره اول، شماره یک، ۱۵۳-۱۸۰.
- فلاحی، صادق، (۱۳۹۳)، «اعتراض اجتماعی در شعر قیصر امین پور»، فصل‌نامه دُر دری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، سال چهارم، شماره یازدهم، ۱۷-۲۴.
- فیاض منش، پرند، (۱۳۸۴)، «نگاهی دیگر به موسیقی شعر و پیوند آن با موضوع، تخیل و احساسات شاعرانه»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره چهارم، ۱۶۳-۱۸۴.
- قربان پور آرانی، حسین، (۱۳۷۸)، «ادبیات پرخاشگر، زمینه‌های اجتماعی و آثار آن (از آغاز تا عصر مشروطیت)»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۶۱، ۲۶-۲۹.

پایان‌نامه‌ها

- برزگر ولیک چالی، مصطفی، (۱۳۸۸)، «بررسی طبیعت و عناصر آن در اشعار شعراي معاصر مازندران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، مریم ابوالقاسمی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- صدقیان زاده، قاسم، (۱۳۹۰)، «بررسی مؤلفه‌های پایداری در شعر دفاع مقدس با تکیه بر شعر قیصر امین پور و سلمان هراتی»، پایان‌نامه ارشد زبان و ادبیات فارسی، احمد امیری خراسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.